

نوآوری علمی و تقلید ادبی در سروده های ابن سینا

دکتر علی باقر طاهری نیا

دکتر فرامرز میرزایی

اعضاء هیات علمی گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه بوعلی سینا

چکیده:

حکیم، فیلسوف، دانشمند و ادیب نامدار ایرانی، ابوعلی سینا ملقب به شیخ الرئیس، افزون بر آثار گرانبها و متعددی که در زمینه علوم مختلف از قبیل، طب، فلسفه، منطق و ... به رشته تألیف در آورده است، در زمینه ادبیات و به ویژه شعر با "تألیف کتاب الشعر" به ابراز نظر و اظهار رای پرداخته است. بدین ترتیب او علاوه بر مقولات علمی و تجربی در عرصه های شعر و شعور و عاطفه نیز قلم زده است. و در این مقاله تلاش خواهد شد تا با اشاره به مضامین جدید علمی - فلسفی در سروده های ابن سینا به این واقعیت پرداخته شود که او در سروده ها و اشعار شخصی اش به تقلید از شعرای گذشته و تبعیت از اسلوب کلاسیک شعر پرداخته است. و بدین ترتیب سروده های او از نقطه نظر علمی، نو و از نگاه سبک شناسی تقلید و تبعیت به شمار می روند.

مقدمه :

”ابوعلی سینا(حسن) بن عبدالله بن سینا (که اروپائیان او را به نام Avicenna می شناسند) در صفر سال ۳۷۰ هـ ، ۹۸۰م در افشنه نزدیک بخارا متولد شد.“^۱

ابن سینا در طول زندگی خود به القاب متعددی ملقب شده است که هر یک از آنها بیانگر بُعدی از ابعاد شخصیت بزرگ ایشان می باشد. از آن جمله است: ”حجة الحق، شرف الملک، الحکیم الوزير، الشیخ الرئیس.“^۲

لقب اخیر وی یعنی شیخ الرئیس به زودی دو بُعد مهم وجودش را مکشوف می نماید؛ زیرا شیخ لقبی است علمی و رئیس لقبی سیاسی و بدین ترتیب شیخ الرئیس علم و سیاست را با هم جمع نموده است.

احمد فؤاد می گوید: ”شیخ الرئیس نشان از اشتغال ابن سینا به علم و حکمت از یکسو و سیاست و وزارت از دیگر سو دارد و بدین ترتیب او مصداق حاکم فیلسوف مورد نظر افلاطون است.“^۳

ابن سینا دانشمند نامدار ایرانی با داشتن بیش از ۲۷۶^۴ اثر تالیف شده در ظرائف و دقائق بسیاری از علوم وارد شده، با نگاه نافذ و نظر صائب خود به ابراز نظر پرداخته است. آراء ارزشمند و عالمگیر وی که مبدأ و منشأ تحول و توسعه علمی دنیا شده به قدر لازم مورد کند و کاو قرار گرفته و هر چند این مطالعات در اندیشه های علمی - فلسفی او نیز به قدر کفایت انجام نشده است ولی همان نیز از میزان مطالعاتی که در باب شخصیت ادبی ابن فیلسوف حکیم انجام شده بس چشمگیر و قابل ستایش است. در این فرصت تلاش خواهد شد تا سهم ادبیات و بخصوص شعر در آثار ابن سینا به اجمال بیان شود و از این رهگذر به ” نوآوری علمی و تقلید ادبی در سروده های ابن سینا“ دست پیدا کنیم.

۱- تاریخ الادب العربی ، کارل برو کلمان ، مصر ، الهيئة المصریة العامة ، ص ۱۱.

۲- باب المقال ، بسام علیق ، ص ۱.

۳- نوابع الفکر العربی ، احمد فؤاد الالهوانی ، مصر ، دارالمعارف ، ص ۱۹.

۴- باب المقال ، بسام علیق ، ص ۱.

ابن سینا افزون بر کتب ارزشمند علمی و فلسفی، آثاری ادبی نیز به رشته تالیف و تدوین در آورده است و از آن جمله: کتاب الشعر، رسائل در موضوعات مختلف، قصاید، ارجوزه ها، لغت نامه^۱، تفسیر و موسیقی.

تعریف شعر از نگاه ابن سینا

ابن سینا با تالیف "کتاب الشعر" به کتاب "فن الشعر" ارسطو اقتدا نموده است. وی که به بیان جنس و فصل شعر و تقسیم و دسته بندی آن پرداخته است، "در حقیقت به شرح و تحلیل کتاب ارسطو پرداخته و میان اغراض شعر عربی و یونانی مقایسه ای انجام داده است."^۲

تعریف ارائه شده از سوی ابن سینا محصول اندیشه مبتنی بر قواعد منطقی اوست از اینرو با ذکر جنس مشترک و بیان فصلهای ممیز سعی نموده تا مصداق تعریف ارائه شده تنها همان چیزی باشد که در پی تعریف آن است. وی می گوید: "الشعرُ کلامٌ مخیلٌ مؤلفٌ من اقوالٍ ذواتٍ ایقاعاتٍ مُنْفَقةٍ . متساویةٍ متکررةٍ علی وزنِها. متشابهةٍ حروفِ الخواتیم."^۳ در تعریف فوق کلام جنس اول شعر است که خطابه و جدل را نیز شامل می شود و مخیل فصل بین آن و سخنان عرفانی و تصدیق و تصور منطقی است. ذوات ایقاعات متفقه موجب تمیز بین شعر و نثر است و متکرره موجب تمیز بین مصراع و بیت، متساویه موجب تمیز بین شعر و نظم و متشابهه الخواتیم موجب تمیز بین مقفی و غیر مقفی می شود.

این تعریف در حقیقت شرح و بسط تعریف شعر از نگاه ارسطو می باشد. وی شعر را اجمالاً "محاکات^۴" می داند. و ابن سینا شعر را از جمله آنچه مخیل و محاکات است بر شمرده است. در

۱- همان منبع، ص ۱.

۲- نوائغ الفکر العربی، اجمد فوادالاهوانی، ص ۳۴.

۳- همان، ص ۸۵، به نقل از جوامع علم الموسیقی، ابن سینا، ص ۱۲۲-۱۲۳.

۴- فن الشعر، ارسطو، ص ۳.

تفسیر مخیل بودن شعر گفته اند که "خیال برای شعر مانند علم است در برهان و ظن است در جدال و افتناع است در خطابه."^۱

بنابر این با لحاظ قیود مذکور در تعاریف ارائه شده مرز میان فنون ادبی از قبیل نظم، نثر و شعر و خطابه روشن می شود. پر واضح است که در تعریف ارائه شده از سوی ارسطو قید تخیل ذکر نشده و به همین دلیل شعر مورد نظر ایشان کلام منظوم را نیز شامل می شود.

ابن سینا که خود کتاب الشعر را پاسخگوی تمام سوالات مربوط به مقوله شعر و انواع آن نمی داند، در خصوص تدوین کتابی مفصل وعده داده می گوید: "این خلاصه ای است از کتاب الشعر معلم اول. بعید نیست که خود ما تلاش کنیم و کلامی بسیار مفید و مفصل در علم شعر به نحو مطلق و نیز بنا بر عادت جاری این زمان ابداع نماییم اما در اینجا به همین مقدار اکتفا می کنیم."^۲

موضوعات شعری ابن سینا

با تامل در سروده های پراکنده فیلسوف و حکیم شاعر به زودی می توان آنها را براساس سنخیت موضوع به دو دسته تقسیم کرد. هر چند وجه ممیز این دو دسته در حقیقت به نوعی به عنصر خیال بر می گردد ولی از آنجا که در هر دو قیود کلام موزون و مقفی وجود دارد لذا به تقسیم مبتنی بر موضوع پرداختیم.

۱- دسته اول از سروده های ابن سینا عبارتست از سروده هائی که می توان از آنها به عنوان شعر تعلیمی یاد کرد. در شعر تعلیمی، سراینده به دنبال آموزش معلومات است. او پیش از آنکه در پی تصویرگری، ابداع و خیال پردازی باشد به دنبال انتقال دانسته های خود و آموزش آنها به دیگران است.^۳

۱- فصل نامه مفید، عباس احمدی سعدی، ص ۶، به نقل از کتاب الشعر ص ۵۰۲

۲- همان، ص ۸، به نقل از الشفاء. المنطق، ج ۴ ص ۷۳

۳- شعر را به دو دسته اندیشه و شعر انگیزه تقسیم نموده اند. مراد از شعر اندیشه، آن دسته از اشعار است که شاعر به دنبال انتقال اندیشه و معلومات خود است نه خیال پردازی، تصویرگری و ابداع که در شعر انگیزه مورد نظر شاعر است ر.ک. به الدر المنتور (پایان نامه کارشناسی ارشد)، علی باقر طاهری نیا، ص ۳۰ و ۳۱.

بدین ترتیب می توان گفت شعر تعلیمی عبارتست از کلام منظومی که مشتمل بر قواعد علمی و آموزشی است و چون فاقد عنصر خیال است آن را نظم می دانند نه شعر. شعر تعلیمی براساس طول آن به ارجوزه و شعر تعلیمی کوتاه تقسیم می شود. انگیزه شاعر از سرودن اشعار تعلیمی عبارتست از سهولت حفظ و قرابت طبع، به گونه ای که ابن معطی نحوی بزرگ اندلس (۱۲۳۲م) در بیان علت سرودن الفیه نحوی خود به آن اشاره نموده است. و ابن مالک نیز در مطلع الفیه نحوی خود در این خصوص می گوید^۱

أَسْتَعِينُ اللَّهَ فِي الْأَلْفِيَةِ مَقَاصِدُ النَّحْوِيهَا مَخْوِيَةٌ
تَقَرَّبُ الْأَقْصَى بِلَفْظٍ مُوجِزٍ وَ تَبَسُّطِ الْبَدَلِ بَوَعْدٍ مُنْجِزٍ

ابن سینا در منظومه های کوتاه به موضوعات مختلف فلسفی پرداخته است و پرداختن به قیاس، استقراء، نقیض، تمثیل و را می توان از جمله اشعار تعلیمی کوتاه ابن سینا به شمار آورد. وی درباره استقراء می گوید:

وَإِنْ يَكُنْ حُكْمٌ عَلَى كُلِّ
فَذَلِكَ الْمَعْرُوفُ بِالْأَسْتِقْرَاءِ
لَا جُلَّ مَا شُوهِدَ فِي الْجُزْئِي
قُوَّتُهُ بِكَثْرَةِ الْأَجْزَاءِ^۲

از جمله اشعار تعلیمی بلند ابن سینا یا همان "ارجوزه" می توان به "الاجوزه الطبیة" وی اشاره کرد. "ابن سینا کتاب قانون خود را در الارجوزه الطبیة خلاصه کرده است."^۳ پرواضح است که پرداختن به موضوعی کاملاً علمی و تجربی مثل طب جز ویژگی "کلام منظوم" فاقد سایر عناصر تعریف شعر خواهد بود بر همین اساس باید آن را در زمره آموزش و انتقال دانسته ها تلقی کرد. ابن سینا در این ارجوزه ابتدا به تعریف طب پرداخته آن را حفظ سلامت بدن از بیماری دانسته می گوید:

۱- شرح ابن عقیل، محمد محی الدین عبدالمجید، تهران، ناصر خسرو، ص ۱۱.

۲- نوائغ الفكر العربی، ص ۸۹.

۳- باب المقال، بسام عقیل ص ۲.

الطَّبُّ حَفْظُ صِحَّةٍ بَرِّ مَرَضٍ مِنْ سَبَبٍ فِي بَدَنِ وَ مِنْ عَرَضٍ^۱
 وی در بخش دیگری از این ارجوزه قوای مزاج را چون چهار عنصر اصلی طبیعت ، چهار
 جزء دانسته می گوید :

وَ بَعْدَ ذَلِكَ الْعِلْمُ بِالْمَزَاجِ أَحْكَامُهُ تُعَيَّنُ فِي الْعِلَاجِ
 أَمَّا الْمَزَاجُ فَفَوَاهُ أَرْبَعَةٌ يَفْرُدُّهَا الْحَكِيمُ أَوْ يُجْمَعُ
 مِنْ سَخْنٍ وَ بَارِدٍ وَ يَابِسٍ وَ لِينٍ يَنَالُ حَسَّ اللَّامِسِ^۲

ارجوزه دیگر ابن سینا در باب نفس است. وی این ارجوزه را با ابیاتی به فخامت و استحکام
 اشعار قدیم عرب آغاز کرده به تدریج به بیان دیدگاه خود پیرامون نفس می پردازد ، وی در این
 قصیده که به القصیده الوراقییه معروف است می گوید :^۳

هَبَطَتْ إِلَيْكَ مِنَ الْمَحَلِّ الْأَرْفَعِ وَ رَقَاءُ ذَاتِ تَعَزُّزٍ وَ تَمَنَعِ
 مَخْجُوبَةٌ مِنْ كُلِّ مَقْلَةٍ عَارِفٍ وَ هِيَ الَّتِي سَفَرَتْ وَ لَمْ تَتَّبَرَّعِ
 وَ ظَلَّتْ عَلَى كَرهِ الْيَكِّ وَ رَبِّمَا كَرِهَتْ فِرَاقَكَ وَ هِيَ ذَاتُ تَفَجُّعِ

۲- دسته دوم اشعاری که ابن سینا به عنوان یک شاعر و از سر تصویر گری و ابداع سروده
 است . در این دسته از سروده ها عناصری از قبیل خیال ، شعور و احساس به قدر لازم و بلکه
 کافی به چشم می خورد و بر همین اساس سراینده آن را باید شاعر و برخوردار از موهبت شعری
 دانست .

شعر که از ماده شعور است عرصه تجلی و تصویر احساسات درونی و جوش و خروش های
 باطنی انسانست . بی تردید هر انسانی از آنجا که دارای شعور و احساس و عاطفه است ، در
 تلاقی با فراز و نشیب های زندگی از عوامل بیرونی متاثر شده و به شرط برخوردار از موهبت

۱- نوایغ الفكر العربی ، ص ۹۰.

۲- همان ، ص ۹۰.

۳- دائرة المعارف ، المعلم بطرس البستانی ، بیروت ، دارالمعرفة ، ج ۱ ، ص ۵۳۷.

شعری ، می توانند زیباترین تصاویر احساس و عاطفه را با استفاده از عنصر خیال پردازی خلق نمایند و دیگران را نیز از سر سویدای خود آگاه و در نتیجه متأثر نمایند .
ابن سینا که در گذر عمر خود از یتیمی ، سفرهای متعدد ، تصدی وزارت ، تجربه حبس و زندان ، مجالس سرور و طرب و ... را تجربه نموده است ، در زبان شعر به هریک از آنان پرداخته است و این همان شعر شخصی و عاطفی مورد نظر است .
نمونه های این اشعار در بخش تحلیل تقلید ادبی ابن سینا ذکر خواهد شد و از تکرار آنها در اینجا خودداری شد .

تقلید ادبی در اشعار ابن سینا

شاید بتوان گفت ابن سینا به همان اندازه که در عرصه مقولات علمی به نوآوری و ابتکار پرداخته است در عرصه اغراض شعری به تقلید از گذشتگان روی آورده است . هر چند اثبات ادعای اول - یعنی نوآوری علمی - فلسفی- ابن سینا روشتر از آن است که نیاز به استدلال و اقامه برهان داشته باشد ، ولی بیان مصادیق و اثبات وجود عنصر تقلید در سروده های او اندکی نیازمند تحلیل و استدلال است.

ابن سینا آنجا که شعر از قبیل شعر انگیزه می سراید ، قالب کلاسیک و اسلوب شعر قدیم را برگزیده همچون شعرای قصائد عصر جاهلی ، سخن را با وقف و ایقاف بر اطلال و دمن آغاز می کند . آنان (شعرای جاهلی) مطلع قصائد خود را به توقف بر منزلگاه یار سفر کرده و گریستن و ریختن باران اشک بر ویرانه های آن اختصاص می دادند.^۱

امری القیس شاعر نامدار جاهلی در مطلع معلقه خود چنین آغاز می کند :^۲

فَمَا نَبَّكَ مِنْ ذِكْرِي حَبِيبٍ وَمَنْزِلٍ بِسَقَطِ اللَّوَى بَيْنَ الدَّخُولِ فَحَوْلِ
فَتَوَضَّحَ فَأَلْمِقِرَةَ لَمْ يَغْفَ رَسْمُهَا لَمَّا نَسَجَتْهَا مِنْ جَنُوبٍ وَشَمَالِ

۱- تاریخ الادب العربی ، حنا الفاخوری تهران : توس ، ۱۳۸۰ ، ص ۶۳.

۲- المجانی الحدیثه ، فواد افرام البستانی و المطبعه الكاتولیه ، بیروت ، ج ۱ ص ۳۱.

و ابن سینا می گوید :

ففا نَجْزَى مَعَاهِدَهُمْ قَلِيلًا نَغِيثٌ بَدَمَعْنَا الرَّبِيعَ الْمَحِيلَا
تَخَوَّنَهُ الْعَفَاةُ كَمَا تَرَاهُ فَأَمْسَى لَا رُسُومَ وَلَا طُلُولا^۱

بدین ترتیب افزون بر معنا که شاهدهی صادق است ، وجود الفاظی از قبیل "قفا" ، "نغیث" ، "الربیع" ، "الرسوم" و "الطلول" یادآور اندیشه شعر کلاسیک عرب است . او نه تنها هم چون شاعر جاهلی رفیق و همسفر خود را مورد خطاب قرار داده و از سرزنش ملامتگران سخن گفته ، بلکه از مضمون سخن امری القیس نیز الهام گرفته ، می گوید :

خَلِيلِي بَلِّغِ الْغُذَالَ أَنِّي هَجَرْتُ تُجَمِّلُنِي هَجْرًا جَمِيلًا^۲

و امری القیس نیز در معلقه خود به این معانی پرداخته می گوید: "إِنَّ كُنْتُ قَدْ أَرْمَعْتِ صَرْمِي فَاجْمَلِي" و "لَا تَهْلِكِ أَسَى وَ تَجْمَلِي"^۳.

ابن سینا در قصیده ای با محوریت حکمت و زهد اینچنین تعابیر رایج شعر قدیم را بکار برده ، از بین رفتن آثار جوانی و نشانه های منزلگاه یار را یادآوری نموده و به ابداع تصویری نو پرداخته است . وی می گوید :

عَفَا رَسْمُ الشَّبَابِ وَ رَسْمُ دَارِ لَهُمْ عَهْدِي بِهَا مَعْنَى رَبَابِ
فَذَاكَ أَبْيَضٌ مِنْ قَطْرَاتِ دَمْعِي وَ ذَاكَ أَخْضَرٌ مِنْ قَطْرِ السَّحَابِ

وی به شیوه قدما ، در شعر خود از معشوقه ای به نام سعدی نام می برد و هم چنان که مشهور است بسیاری شعرای بزرگ در بیان عشق خود به معشوقه ای خاص با ذکر نام به تغزل پرداخته اند از آن جمله :^۴ طرفه بن عبد ، عمرو بن کلثوم ، عنتره بن شداد .

ابن سینا می گوید :

وَقَفْتُ دَمَوْعَ عَيْنِي دُونَ سَعْدِي عَلَي الْأَطْلَالِ مَا وَجَدتْ مَسِيلًا

۱- نوايغ الفكر العربي ، ص ۳۴.

۲- همان ، ص ۸۷.

۳- المجاني الحديثه ، ج ۱ ص ۳۲ و ۳۳.

۴- ابن سینا ، محمود مرعشی : قم ، نوین سال ۱۳۴۱ ، ص ۴۳.

۵- المجاني الحديثه ، ج ۱.

عَلَى جَفْنِي لِسَعْدِي فَرَضُ دَمْعٍ أَقَمْتُ لَهُ بِه قَلْبِي كَفِيلاً^۱

افزون بر تقلید در زمینه سبک و اسلوب که به آن پرداخته شد ، اغراض شعری سروده های ابن سینا همان اغراض قدیمی و مشهور شعر کلاسیک است . وی در زمینه حکمت ، موعظه ، اخلاق ، غزل عذری ، خمربه و فخر ... از خود سروده برجای گذاشته است که به هر یک اشاره می شود .

الف : حکمت و موعظه : یکی از مهمترین اغراض شعری ابن سینا موضوع حکمت و موعظه است و این امر تناسب و تلائم کافی با حکمت و فلسفه و شخصیت ابن سینا دارد. او با توصیه به تهذیب نفس ، آن را چون چراغ و حکمت را روغن (سوخت) آن دانسته است . وی می گوید .^۲

هَذَبُ النَّفْسِ بِالْعُلُومِ لَتُرْفَى وَ ذَرِ الْكُلِّ فَهِيَ لِكُلِّ بَيْتٍ
أَمَّا النَّفْسُ كَالزَّجَاجَةِ وَالْعَلِّ مُمْ سِرَاجٍ وَ حِكْمَةَ اللَّهِ زَيْتُ
فَإِذَا أَشْرَقَتْ فَانَكَ حَيٌّ وَإِذَا أَظْلَمَتْ فَانَكَ مَيِّتٌ

وی در جای دیگر می گوید اگر کسی به دنبال این است که دنیا را در یک حالت ثابت ببیند ، بدرستی که او در پی امری محال است .

وَ مَنْ يَسْتَنْبِتِ الدُّنْيَا بِحَالٍ يَرُمُّ مِنْ مُسْتَحِيلٍ مُسْتَحِيلًا^۳

نظیر این معنا به اشکال گوناگون در کلام سایر حکماء و شعراء نیز آمده است . متنبی شاعر بزرگ عباسی (۳۰۳ هـ - ۳۵۴) می گوید : اینگونه نیست که هر چه انسان بخواهد ، به دست آورد زیرا گاهی باد در خلاف خواست کشتی می وزد .

۱- ابن سینا ، ص ۴۷.

۲- نوابع الفكر العربي ، ص ۳۸.

۳- ابن سینا ، ص ۴۷.

مَا كُلُّ مَا يَتَمَنَّى الْمَرْءُ يُدْرِكُهُ

تَجْرِي الرِّيحُ بِمَا لَا تَشْتَهِي السُّفُنُ^۱

ب: غزل

اقبال شیخ به لذتها و شهوتهای حسی نیز می تواند گواهی بر سرودن اشعار عاشقانه و غزلهای حسی او باشد. احمد فواد الاهوانی می گوید: "او به رغم فیلسوف بودنش که باید از دنیا روی گردان می بود ولی در دام لذتها و شهوات، شراب و زن افتاده هر چند علت این امر به اقتضاء معاشرت و مجالست او با مردم بود."^۲

بدین ترتیب بستر غزلسرایی در شعر ابن سینا وجود دارد و مصادیق موجود نیز موید همین امر است. اما آنچه در تقسیم غزل در میان ادباء رایج است و در این مجال نیز موضوعیت دارد عبارتست از تقسیم غزل به دو نوع عذری و اباحی.^۳

هر چند در تعریف غزل تنوع اقوال وجود دارد ولی یکی از تعاریف آن حاکی از اینست که شاعر در غزل تنها به یک معشوقه دل می بندد و از این رو عشق او صادق و طاهر است.

وی در خلال قطعه ای پس از ذکر نام سعدی چنین می گوید: چه بسیار دلداری که مرا به سوی خود خواند ولی هرگز برای این خواست خود راهی نیافت

وَكَمْ أُخْتُ لَهَا حَظَبْتُ فُوَادِي فَمَا وَجَدْتُ إِلَى عَذْرَى سَبِيلاً

بدین ترتیب خواه سعدی معشوقه واقعی ابن سینا باشد یا از باب رمز و کنایه، در هر صورت در مقام تحلیل این غزل باید آن را در زمره غزل عذری به شمار آورد.

ج- خمریه: ابن سینا در توصیف شراب گاه و بیگاه ابیاتی دارد و از آن جمله ابیاتی است که می توان به زودی تاثیر آن را در خمریه ابن فارض مصری رید. البته پر واضح است که خمریه ابن

۱- دیوان ابی الطیب المتنبنی، شرح مظفنی سبیتی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ص ۲۳۵.

۲- نوانغ الفكر العربی، ص ۳۶.

۳- تاریخ الادب العربی، شوقی ضیف. مصر. دارالمعارف، از ص ۳۵۹-۳۶۴.

۴- نوانغ الفكر العربی، ص ۴۷.

سینا آمیخته ای از خمیریة و آراء فلسفی است و خمیره ابن فارض ترکیبی از خمیره و عرفان است.

ابن سینا می گوید :

شَرِبْنَا عَلَى الصَّوْتِ الْقَدِيمِ قَدِيمَهُ لِكُلِّ قَدِيمٍ أَوَّلٌ هِيَ أَوَّلُ
وَلَوْ لَمْ تَكُنْ فِي حَيِّزٍ قُلْتُ أَنَّهَا هِيَ الْعِلَّةُ الْأُولَى الَّتِي لَا تُعَلَّلُ^۱

ابن فارض (۵۶۷ هـ. ق) نیز در خمیره مشهور خود می گوید :

شَرِبْنَا عَلَى ذِكْرِ الْحَبِيبِ مُدَامَةً سَكَرْنَا بِهَا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُخْلَقَ الْكَرَمُ
لَهَا الْبَدْرُ كَأَسُّ وَ هِيَ شَمْسٌ يُدِيرُهَا هَالَالٌ وَ كَمْ يَبْدُو إِذَا مَزَجَتْ نَجْمُ
وَ لَوْ لَا نَدَاهَا مَا اهْتَدَيْتُ لِحَانِهَا وَ لَوْ لَا سَنَاهَا مَا تَصَوَّرَهَا الْوَهْمُ^۲

همچنین در ضمن سروده های فارسی خود ، در مقام بیان علت تحریم شراب از سوی شرع مقدس با ذکر دلیل ادعایی به ارائه تعلیل پرداخته می گوید :

می از جهالت جهال شد حرام چو ماه کز سبب منکران دین شد شق
شراب را چه گنه زانکه ابلهی نوشد زبان به هرزه گشاید و دهد بیاد ورق^۳

ابن سینا در ارجوزه طیبیه خود ابراز می دارد که نوشیدن شراب به شرط رعایت اعتدال مضر نخواهد بود. بدین ترتیب در ضمن شعر تعلیمی به تفسیر نکته ای اخلاقی - عقیدتی پرداخته که تحلیل آن مستلزم تتبع بیشتر است وی می گوید :

فِي الشَّرَابِ لَا تَقْصُدُ إِلَى الْكَثِيرِ وَ أَفْنَعُ مِنَ النَّبِيدِ بِالْيَسِيرِ
لَا تَدْمِنُ النَّبِيدَ كُلَّ يَوْمٍ وَ لَا تَكُنْ تَشْرِبُ بَعْدَ الصَّوْمِ
إِيَّاكَ أَنْ تَسْكُرَ طَوَّلَ الدَّهْرِ إِنْ لَمْ يَكُنْ قَمَرَةً فِي الشَّهْرِ^۴

۱- همان ، ص ۴۸.

۲- دیوان ابن فارض ، لبنان ، بیروت ، المكتبة النفايه ، ص ۸۲

۳- ابن سینا ، ص ۵۲

۴- نوايح الفكر العربي ، ص ۳۷

د- فخر از دیگر موضوعات شعری ابن سیناست و البته این بدان معنا نیست که حجم قابل توجهی از سروده های او در باب فخر باشد ، ولی با تأمل در ابیات و سروده های او به زودی می توان به شواهدی بر خورد که در آن ابن سینا به فخر و مباحات به دانسته ها توانمندیهای خود پرداخته است . از آن جمله آنگاه که خود را صاحب قلم و شمشیر هردو دانسته ، می گوید همچنانکه قلم به من خدمت می کند ، شمشیر بران نیز در خدمت دستان قدرتمند من است .

أَنْتِ وَإِنْ كَانَتْ الْأَقْلَامُ تَخْدُمُنِي كَذَلِكَ يَخْدُمُ كَفَى الصَّارِمِ الْخَدْمُ^۱

منابع و مأخذ

- ١- ابن سينا ، محمود مرعشى ، قم ، نوين ، سال ١٣٤١.
- ٢- باب المقال ، www.bab.com/article
- ٣- تاريخ الادب العربى ، حنا الفاخورى ، تهران ، توس ، سال ١٣٨٠.
- ٤- تاريخ الادب العربى ، شوقى ، ضيف . مصر . دارالمعارف .
- ٥- تاريخ الادب العربى ، كارل بروكلمان ، مصر ، الهيئه المصريه العامه ، ص ١١ .
- ٦- دائره المعارف ، المعلم بطرس البستاني ، بيروت دارالمعرفه.
- ٧- الدرالمثور (پايان نامه كارشناسى ارشد) ، على باقر طاهرى نيا ، دانشگاه تهران ، ١٣٧٥.
- ٨- ديوان ابن فارض ، لبنان ، بيروت ، المكتبه الشفافيه .
- ٩- ديوان ابى الطيب المتنبي ، شرح مصطفى سببتي ، بيروت ، دارالكتب العلميه .
- ١٠- شرح ابن عقيل ، محمد محى الدين عبدالحميد ، تهران ، ناصر خسرو ، ص ١١.
- ١١- فن الشعر ، ارسطو . شرح و ترجمه عبدالرحمن بدوى ، مصر ، مكتبه النهضه المصريه ، ١٩٥٣
- ١٢- المجانى الحديثه ، فواد افرام البستاني ، بيروت ، المكتبه الكاتوليكيه ، ج ١ ، ص ٣١.
- ١٣- نوايغ الفكر العربى ، احمد فواد الاهوانى ، دارالمعارف .